



تاریخ شفاهی

مشخص شد که نتایج سیستم مذکور، چه میزان غیرقابل اعتماد است.

🔴 قبل از ورود به چگونگی گرفتن رأی اعتمادتان از مجلس، می‌خواهم به مراسم تودیع آقای دانش جعفری وحرف‌هایی که در آن روز از سوی او گفته شد، بپردازم. من آن روز در آن جلسه بودم، به‌یاد دارم وزیروقت اقتصاد در بخش اعظمی از سخنانش در روز تودیع و معارفه خود با حسین صمصامی، به بیان مشکلات کشور از جمله گستردگی تحریم‌های بانکی امریکاعلیه جمهوری اسلامی وانیکه بخش اعظمی از وقت و هزینه وزارتخانه ودولت به دور زدن تحریم‌ها می‌گذرد، پرداخت. سخنان وی در آن روز نشان می‌داد تحریم‌های پولی و بانکی از همان سال‌های استقرار دولت محمود احمدی‌نژاد شدت گرفته بود، چون آقای دانش جعفری آن روز خیلی درباره چالش‌های تحریم‌سخن گفت. آن روزها کسی تحریم‌های اقتصادی را مانند امروز جدی نمی‌گرفت. سؤال مشخص من این است، با ورود شما به دولت و گرفتن پست وزارت اقتصاد، آیا برای مقابله با تحریم‌های احتمالی که بعدها شدت هم گرفت کاری کردید؟ یعنی پس از ورود به دولت، برنامه‌ای برای هشدارهایی که آقای دانش جعفری در آن جلسه داد، نوشتید؟

قطعاً آقای دانش جعفری در یک مقطع حساس در اقتصاد کشور متحمل زحمات زیادی شده‌اند. در واقع اولین قطعنامه‌هایی که بعد از تشکیل دولت‌نهم صادر شد در زمان وزارت وی بود. در همان سال اول روی کار آمدن دولت نهم، زمزمه تحریم‌های مجدد ایران به گوش می‌رسید. نهایتاً در بهار ۸۵ تحریم‌های جدید آغاز شد. آن زمان بنده در وزارت بازرگانی بودم. بسیاری از تصمیمات مانند تشکیل ستاد تدابیر ویژه در همان معاونت اقتصادی وزارت بازرگانی پیشنهاد شد. با نگاهی به سابقه تحریم در ایران خواهیم دید، امریکا از همان زمان پیروزی انقلاب با نفوذ در سازمان ملل و سایر نهادهای بین‌المللی سعی در تحریم کشورمان داشته است. در همان سال‌های آغازین انقلاب به بهانه تسخیر لانه جاسوسی، تحریم‌های نفتی و مالی صورت گرفت. مقطعی به نظرم سال ۱۳۵۹ در اقتصاد ایران که بخش نفت حدود ۶۷ درصد منفی شده بود، کشور شاهد رشد اقتصادی منفی ۲۲ درصد بود، اما هنگامی که امریکا در سال ۱۳۶۱ یعنی زمان جنگ مجبور شد تحریم مقداری نفت ایران را لغو کند، یک رشد بالای صد درصدی در نفت اتفاق افتاد که باعث شد رشد اقتصاد در زمان جنگ به ۲۲ درصد برسد. برای همین در رشد اقتصادی و مسائلی از این قبیل، باید تاریخ اقتصادی ایران مورد مطالعه قرار بگیرد. البته قبل از انقلاب هم در آغاز دهه ۱۳۳۰ انگلیسی‌ها برای مقابله با نهضت ملی شدن نفت، تحریم مشابهی علیه دولت دکتر مصدق وضع کرده بودند.

🔴 به سؤال پاسخ ندادید. سؤال مشخص من این است وقتی به وزارت اقتصاد رفتید، برای مقابله با تحریم‌های احتمالی آینده، آیا برنامه‌ای نوشته‌شد؟ خیلی واضح بگویم، اغلب منتقدان دولت شما معتقدند تحریم‌های سال ۹۰ به بعد، از لحاظ مکانیسم‌های اقتصادی کاملاً قابل پیشگیری و پیگیری بود. اما دولتی‌ها با اینکه می‌دانستند تحریم‌های خارجی

ما در وزارتخانه بازدید کردند و در این زمینه گزارشی هم از استحکام کار انجام شده تهیه شد. ضمن اینکه اصولاً امکان ندارد در طول ۱۰۰ روز کسی بتواند یک سیستم یکپارچه اطلاعات اقتصادی ایجاد کند و سپس هم مدعی شود که این سیستم قابل بهره‌برداری است. به یاد دارم زمانی که بنده دبیر طرح تحول اقتصادی بودم از سیستم اطلاعات اقتصادی در جلسه‌ای که احمدی‌نژاد هم حضور داشت، توسط سرپرست وقت وزارت اقتصاد رونمایی شد و در آن برهه،

ایجاد بانک اطلاعاتی در وزارت اقتصاد یک ایده بود

ایجاد بانک اطلاعاتی یک ایده خوب بود، منتهی در دوره آقای مصمصامی صرفاً یک سری مودم و امکانات سخت‌افزاری وارد وزارتخانه شد و اقدامات اولیه در این زمینه صورت گرفت. زمانی که بنده به وزارتخانه آمدم از آقای دکتر معمرنژاد که قبلاً در وزارت بازرگانی مدیرکل دفتر اطلاعات و تجارت الکترونیکی بود به عنوان مشاور دعوت به همکاری کردم و یک کارگروهی برای مسائل فناوری اطلاعات شکل گرفت. پس از تشکیل این کارگروه، اقدامات وزارت اقتصاد در این زمینه با انسجام و هماهنگی بیشتری همراه بود، به نحوی که تحول بزرگی در این بخش شکل گرفت.

بزودی رخ خواهد داد و از نظر اقتصادی ما را با مشکل مواجه خواهد کرد ساختارهای ناسالم اقتصادی را اصلاح نکنند.

این را قبول ندارم. بسیاری از ساختارها اصلاح شد، مثلاً اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها نمونه بارزی از این تلاش‌ها بود. اگر هدفمندی اجرا نمی‌شد می‌دانید چه اتفاقی می‌افتاد؟ امریکا برنامه داشت تا در اولین تحریم، جلوی صادرات بنزین به ایران را بگیرد و خود شما می‌دانید اگر جلوی واردات بنزین گرفته می‌شد چه چالش‌هایی جامعه را فرامی‌گرفت. ما هدفمندی را اجرا کردیم تا از رخ دادن یکسری اتفاقات این چنینی هم جلوگیری کنیم. چنانچه همین الان هم اگر دولت یازدهم اقداماتی را که دولت‌های نهم و دهم در این حوزه عملیاتی کرد، ادامه ندهد چه بسا با چالش واردات بنزین مواجه‌شود. شما تولید بنزین پتروشیمی‌ها و کاهش وابستگی به واردات بنزین را اقدامی در جهت مقابله با تحریم‌های آتی غرب علیه جمهوری اسلامی نمی‌دانید؟ شما امروز را نگاه نکنید که آقایان می‌گویند این کارها اشتباه بوده، چند ماه و شاید چند سال دیگر، خودشان به خیلی چیزها اعتراف خواهند کرد. البته طراحی در خصوص سیستم بانکداری بین‌الملل و امثالهم نیز انجام شده بود.

نکته بعد اینکه، خود بنده موضوع تحریم را از قبل به دلیل حضورم در وزارت بازرگانی و همکاری با ستاد‌های مرتبط، کاملاً می‌شناختم. قطعاً قبل از ورود من به وزارت اقتصاد، دوستان قبلی برای کاهش اثر تحریم‌ها، زحمات و سختی‌های زیادی برای جابه‌جایی پول و مباحثی از این دست کشیده بودند. اما تحریم‌های بعد از سال ۸۹ با قبل از آن قابل قیاس نیست. فشار این تحریم‌ها بعد از تصویب قطعنامه ۱۹۲۹، در بهار ۸۹ شدت گرفت. پرواضح بود که چند ساروبی طراحی شده از سوی قدرت‌های غربی در حال اجرا بود. ابتدا در سال ۸۸ به بهانه کذب و واهی تقلب در انتخابات، مشروعیت دولت جدید را زیر سؤال بردند و در ادامه تلاش شد تا به واسطه تحریم‌های جدید، به کارایی دولت و نظام آسیب وارد شود. من این مسائل را مستقل و جدازت هم نمی‌دانم.

🔴 شما معتقدید شدت گرفتن تحریم‌های غرب علیه ایران ناشی از فتنه ۸۸ بود؟

بله، شک نکنید. این درست است که ما همواره در ۳۵ سال پس از انقلاب با تحریم مواجه بودیم ولی آنها، برای افزایش فشار بر دولت و نظام نیاز به یک غائله حقوق بشری داشتند که روی آن مانور کنند. یک نظام سیاسی به دو پال مشروعیت و کارآمدی نیاز دارد. آنها با غائله سال ۸۸ مشروعیت نظام را نشانه رفتند و آن را بهانه‌ای برای تشدید تحریم‌ها قرار دادند که در پی آن کارآمدی را هدف بگیرند. آشوب‌های سال ۸۸ یک ظاهر سیاسی داشت ولی بشدت روی عملکرد اقتصادی کشور اثر منفی گذاشت. خاطر مهم است سال ۸۸ برای گرفتن مالیات چه مشکلاتی داشتیم، حتی توجه نمی‌کنند، در حالی که این افراد گاهی، سال، تعطیلی بازار را طراحی و به ما هشدار می‌دادند. هدف اصلی ضربه به کارآمدی نظام توسط دولت‌های غربی بود. برای همین، شریان‌های پولی و مالی کشور هدف قرار گرفت. اگر خاطرتان باشد آن زمان، برخی اعضای دائم شورای امنیت قصد داشتند بانک مرکزی ایران را تحریم کنند که با توجه به رایزنی‌های دیپلماتیک با مخالفت چین و روسیه مواجه شد.

البته امریکایی‌ها شورای امنیت را دور زدند و اختیارات شورای امنیت و سازمان ملل در وضع تحریم‌ها را به نفع خودشان مصادره کردند. بعد از آن بود که وزارت خزانه‌داری امریکا و اتحادیه اروپا همسو با یکدیگر وارد عمل شدند و تحریم‌های جدیدی علیه ایران را عملیاتی کردند. در زمان آقای دانش جعفری، بانک سپه تحریم‌شد، اما در دوران پس از سال ۸۸ تحریم بانک مرکزی به میان آمد. شما می‌دانید وقتی بانک مرکزی کشوری تحریم شود کل سیستم بانکی آن کشور تحت فشار قرار می‌گیرد، باید اذعان کرد، کشورهای تحریم‌کننده

ایران تمام تجربیات تحریمی خودشان در طول چند دهه گذشته را با زیرکی خاص در چند سال اخیر به مرحله اجرا گذاشتند.

🔴 اجازه بدهید یک سؤال دیگر درباره حواشی روز تودیع دکتر دانش جعفری از شما بپرسم. آن روز وزیر وقت اقتصاد، بشدت از برخی سیاست‌های دستوری در دولت انتقاد کرد و یکی از دلایل استعفاى خودش را پیروی آقای احمدی‌نژاد

از سیاست‌های دستوری و عدم توجه او به مفاهیم علم اقتصاد عنوان کرد. دانش جعفری در آن جلسه ضمن انتقاد از احمدی‌نژاد گفت: متأسفانه رئیس‌جمهور بسیاری از مفاهیم پذیرفته‌شده علم اقتصاد را قبول ندارد. شما حدود ۶ سال با احمدی‌نژاد کار کردید، بیش از ۵ سال مهم‌ترین وزیر اقتصاد ای بودید. احمدی‌نژاد چگونه شخصیتی دارد؟ البته من اینکه احمدی‌نژاد در برخی از جلسات، حرف خودش را می‌زند و خیلی به توصیه‌های کارشناسی توجه نمی‌کند را از چند وزیر دیگر هم شنیده‌ام. حالا شما بگویید آیا عدم توجه احمدی‌نژاد به واقعیت‌ها و توصیه‌های کارشناسی واقعیت دارد؟

شما اگر به اخبار رسانه‌ها در آن زمان نگاه کنید خواهید دید، بعد از اینکه بنده به عنوان دبیر طرح تحول اقتصادی منصوب شدم، رئیس‌جمهور در معرفی طرح تحول، مصاحبه‌ای را با اجرای آقای کلهر مشاور رسانه‌ای اش انجام داد. به یاد دارم بنده، قبل از انجام این مصاحبه به صورت مفصل درباره مسائل اقتصادی با وی صحبت کردم. بعد از پایان گفت‌وگوی آقای احمدی‌نژاد با آقای کلهر، بسیاری از منتقدان دولت اذعان داشتند که ادبیات رئیس‌جمهور تغییر کرده‌است.

🔴 یعنی شما معتقدید تغییر ادبیات احمدی‌نژاد به دلیل ورود شما به دولت بوده؟

نه چنین منظوری ندارم. می‌خواهم بگویم که احمدی‌نژاد به مشورت‌هایی که به او می‌شده توجه داشته. شخص بنده در مدتی که با آقای احمدی‌نژاد همکاری داشتم، ندیدم وی به توصیه‌ها و واقعیات اقتصادی توجه نکند. نکته اینجاست که ما وقتی در خصوص علم اقتصاد صحبت می‌کنیم، باید بدانیم این علم، یک نحله فکری نیست بلکه از خانم لوکزامبورگ تا آقای فریدمن در آن جای دارند. در ایران و حتی جهان، افراد و نگاه‌های مختلفی در علم اقتصاد نقش دارند.

همین الان در داخل کشور افرادی هستند که معتقد به توزیع کوپن‌اند و به عنوان اقتصاددانان نراز اول هم مطرح می‌شوند. شما اگر از آنها، روش کنترل تورم را بپرسید، توزیع کوپن و تثبیت قیمت‌ها را مطرح می‌کنند. فرض کنید چنین شخصیت‌هایی با این نگاه‌ها رئیس‌جمهور شوند. آیا شما می‌توانید بگویید این افراد به علم اقتصاد توجه نمی‌کنند، در حالی که این افراد گاهی، استاد اقتصاد دانشگاه بوده و مورد مراجعه رسانه‌ها و محافل علمی و کارشناسی نیز هستند. به نظر من این طبیعی است که نخله‌های فکری و افراد مختلف، با یکدیگر تفاوت‌هایی داشته باشند. اساساً عده‌ای چه در دولت احمدی‌نژاد و چه قبل از آن و حتی در حال حاضر، نگاه بسیار ساده‌انگارانه‌ای به اقتصاد دارند، به طوری که گمان می‌کنند با ثابت نگاه داشتن قیمت چند کالا، مشکلات اقتصادی کشور حل می‌شود. به عنوان نمونه اجرای طرح

تثبیت قیمت‌ها را نگاه کنید، چه کسانی پشت این طرح بودند؟ اغلب کسانی که از طرح تثبیت قیمت‌ها دفاع می‌کردند، اقتصادخوانده بودند. اما در نهایت چه شد؟ لذا اگر هم، اقتصاد دستوری وجود داشته باشد، منحصربه‌احمدی‌نژاد نبوده و در همه دولت‌ها و مجالس نیز وجود داشته است. ضمن اینکه مهم‌ترین طرح کارشناسی دستورزایی از سازگار قیمت‌ها، همین هدفمندی است که در دولت احمدی‌نژاد اجرا شد.

🔴 آیا احمدی‌نژاد به مفاهیمی مانند رابطه نقدینگی و تورم اعتقاد داشت؟ وزیر وقت اقتصاد معتقد است احمدی‌نژاد به این مفاهیم که نشأت گرفته از اصول ابتدایی علم اقتصاد است، اعتقادی نداشته. اصلاحی‌کی از اختلاف نظرهای دانش جعفری با احمدی‌نژاد بر سر همین موضوع بود.

از زمانی که بنده با احمدی‌نژاد همکاری داشتم، یادم نمی‌آید چیزی خلاف این موضوع گفته باشد. من به عنوان وزیر اقتصاد احمدی‌نژاد می‌گویم وی معتقد به رابطه نقدینگی و تورم بود. اینها بدیهیات علم اقتصاد است ولی در دولت کسانی بودند که هدایت نقدینگی را مهم‌تر از رشد نقدینگی می‌دانستند. طرح بنگاه‌های زودبازده هم معطوف به همین تفکرات بود. البته تفاوت بین حرف و نظر تا عمل نیز زیاد است. وقتی دولت یازدهم روی کار آمد، با اینکه اعضای اقتصادی کابینه در ابتدا خیلی در خصوص بیماری هلندی و سلطه مالی دولت بر سیستم بانکی سخن می‌گفتند اما متأسفانه اولین لایحه‌ای که توسط دولت به مجلس برده شد، کاهش سهم صندوق توسعه ملی از درآمد نفت بود که خوشبختانه نمایندگان مجلس به آن رأی مثبت ندادند. یعنی با اینکه دولت یازدهم از همان ابتدای روی کار آمدنش، در رسانه‌ها، از سلطه مالی و بیماری هلندی دم می‌زد اما در اولین اقدام عملی، مغایر آن عمل کرد. برای مثال این همه نقد و سخنرانی توسط اعضای اقتصادی دولت یازدهم قبل از انتخابات ریاست جمهوری در خصوص حجم و رشد نقدینگی صورت گرفت، در حالی که امروز عدم تحقق این گفته‌ها برملا شده و کشور در سه سال اخیر که دولت یازدهم مدیریت آن را در دست گرفته با رشد نقدینگی متوسط سالانه حدود ۳۰ درصدی و پایه پولی با رشد حدود ۴۰ درصدی مواجه شده‌است.

جالب اینجاست وقتی دولت یازدهم متوجه شد نمی‌تواند نقدینگی را کنترل کند به جای استفاده از واژه هدایت نقدینگی که قبلاً در دولت نهم توسط آقای دانش جعفری مورد انتقاد قرار گرفته بود، دوازده سالم سازی رشد نقدینگی را خلق کرد تا به نوعی به کارشناسان بقبولاند که حرف جدیدی برای گفتن دارد. وقتی از آنها خواسته شد که «سالم‌سازی نقدینگی» را تبیین کنند، عدم رشد پایه پولی و رشد ضرب فزاینده را عنوان کردند. یکی از مقامات بانک مرکزی در شهریورماه ۹۳ گفته بود: «دولت، سال ۹۲ رشد نقدینگی را هدایت کرد.» امروز لازم است اقتصاددانان منتقد دولت‌های نهم و دهم توضیح دهند که چطور می‌شود رشد نقدینگی در دولت آقای احمدی‌نژاد عامل اصلی تورم است ولی در دولت آقای روحانی نشانه انضباط پولی است. جالب است که در برهه سه ساله حاکمیت دولت یازدهم، هم رشد نقدینگی نسبت به سال‌های گذشته افزایش یافته و هم رشد پایه پولی و حلالی‌ها شنوبید همان افرادی که می‌گفتند رابطه نقدینگی و تورم یک به یک است حالا می‌گویند که گسست نقدینگی با تورم در ایران، در دولت یازدهم اتفاق افتاده‌است!

برش

وقتی وارد اتاق شدم رئیس‌جمهور نامه معرفی‌ام به مجلس را نشانم داد. اینجا دیگر صراحتاً به من تأکید کرد: «برو و چند صفحه برنامه تدوین کن، باید خودت را برای حضور در مجلس آماده کنی.» خاطره جالبی که از آن شب در ذهنم باقی است، این بود که وقتی به نامه معرفی نگاه کردم دیدم در تایپ نامه، اسم بنده به اشتباه سید شهاب‌الدین حسینی تایپ شده بود، در حالی که من قبلاً هم از رئیس‌جمهور حکم داشتم. البته بنده یک برادر با همین نام دارم که قطعاً به این مسأله ارتباطی نداشت! نهایتاً این مسأله هم با مزاح رئیس‌جمهور اصلاح شد و بنده به عنوان وزیر اقتصاد دولت نهم به مجلس معرفی شدم.



آقای صمصامی را می‌شناختم و او هم مرا می‌شناخت. من با چهارچوب فکری او و او هم با چهارچوب فکری من آشنا بود.

🔴 با کدام یک از اقدامات آقای صمصامی در ۱۰۰ روز سرپرستی وی بر وزارت اقتصاد، موافق و با کدام یک مخالف بودید؟

شما اقدامات او را بگویید.

🔴 به عنوان مثال ایجاد بانک اطلاعاتی. صمصامی در زمانی که سرپرست وزارت اقتصاد بود، بحثی را مطرح کرد با عنوان ایجاد یک بانک اطلاعاتی. مثل اینکه پس از ورود شما به وزارتخانه، این ماجرا ملغی می‌شود.

قطعاً من هم با عملیاتی کردن ایده بانک اطلاعاتی موافق بودم. من هم طرفدار ایجاد یک بانک اطلاعاتی بودم و هستم. البته من هم شنیدم که آقای صمصامی جایی گفته: «در دوران سرپرستی‌ام طرحی تهیه کرده بودم که با ورود حسینی به وزارت اقتصاد این طرح کنار گذاشته شد.» این صحت ندارد.

ایجاد بانک اطلاعاتی یک ایده خوب بود، منتهی در دوره آقای مصمصامی سری مودم و امکانات سخت‌افزاری وارد وزارتخانه شد و اقدامات اولیه در این زمینه صورت گرفت. زمانی که بنده به وزارتخانه آمدم از آقای دکتر معمرنژاد که قبلاً در وزارت بازرگانی مدیرکل دفتر اطلاعات و تجارت الکترونیکی بود به عنوان مشاور دعوت به همکاری کردم و یک کارگروهی برای مسائل فناوری اطلاعات شکل گرفت. پس از تشکیل این کارگروه، اقدامات وزارت اقتصاد در این زمینه با انسجام و هماهنگی بیشتری همراه بود، به نحوی که تحول بزرگی در این بخش شکل گرفت